

غزل شماره ۴۴۹

ای که مجوری عشاق رومی داری
عاشقان راز بر خویش خدای داری

تشنه بادیه را هم به زلالی دریاب
به امیدی که در این ره به خدای داری

دل بردی و بگل کردمت ای جان لیکن
به از این دار نگاهش که مرا می داری

ساغرما که حریفان دگر می نوشند

ما تحمل نکنیم ارتوروامی داری

ای کس حضرت سیمغ نه جولا که توست

عرض خود می بری و زحمت مامی داری

تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم

از که می نالی و فریاد چرامی داری

حافظ از پادشهان پایه به خدمت طلبند

سعی نابرده چه امید عطامی داری

تفسیر فال

چرا شما با آزار دادن دیگران لذت می‌برید و تمایل دارید بندگان خدا را از یکدیگر جدا کنید؟ این رفتار نه تنها باعث ایجاد شکاف و تنش در روابط انسانی می‌شود، بلکه به روحیه خود شما نیز آسیب می‌زند. اگر واقعاً به دنبال دستیابی به آب زلال محبت و صفا هستید، بهتر است تلاش کنید تا ارتباطات میان افراد را تقویت کرده و برای وصل دیگران کوشایی داشته باشید. وقتی که از دیگران دل برید، در حقیقت خودتان را نیز از محبت و دوستی محروم می‌سازید. به جای جفا کردن نسبت به دیگران، سعی کنید دل آنها را نیز برای خود حفظ کنید؛ زیرا محبت متقابل یکی از ارکان اصلی روابط سالم انسانی است. آیا نمی‌دانید که خودنمایی بیش از حد کافی است؟ اگر همواره احساس غم و اندوه دارید، باید بدانید که بسیاری از این احساسات ناشی از انتخاب‌ها و رفتارهای خودتان هستند. پس بیایید در پی ایجاد آرامش و شادی در دل‌های دیگران باشیم تا بتوانیم دوستی‌های واقعی بسازیم و دنیای اطراف خود را زیباتر کنیم.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)